



درس فارغ فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: تتمه احکام غسل

تاریخ: ۲۱ شهریور ۱۴۰۱

موضوع جزئی: حکم شک در غسل اعضای وضو یا شک در شرطی از شرایط وضو

مصادف با: ۱۵ صفر ۱۴۴۴

جلسه: ۵

سال تحصیلی: ۱۴۰۲-۱۴۰۱

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در رابطه با این فرع بود که شخص غسل کرده باشد و سپس مشغول نماز شده باشد و سپس در جزء اخیر از غسلی که انجام داده است، شک کند در این صورت، حکم این است که به چنین شکی اعتنا نمی‌شود. سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا فرع مورد نظر [که شخص بعد از دخول در نماز، در جزء اخیر از غسلی که انجام داده است، شک می‌کند]، مصداق قاعده تجاوز است یا مصداق قاعده فراغ است یا مصداق هیچ کدام از این دو قاعده نیست، بلکه از باب تمسک به نص است؟ یعنی آیا عدم اعتنا به شک در فرض مذکور، از باب تمسک به قاعده تجاوز است یا از باب تمسک به قاعده فراغ است یا از باب تمسک به نص است و آیا بر تمسک به نص اشکال وارد است یا اشکال وارد نیست؟

عرض شد که عدم اعتنا به شک در فرض مذکور، از باب قاعده تجاوز و قاعده فراغ نیست. بعضی از بزرگان، مثل مرحوم شیخ انصاری (ره) معتقدند که این دو قاعده به یک چیز برمی‌گردند و عملاً هر دو قاعده به تجاوز برمی‌گردند، ولی بعضی دیگر این دو قاعده را از هم تفکیک کرده‌اند. سابقاً گفته شد که در فرض مذکور، قاعده تجاوز و قاعده فراغ جاری نمی‌شوند و عدم اعتنا به شک در این فرض، از باب وجود نص خاص است که در جلسه گذشته به آن اشاره شد و عرض شد که دو تعبیر «فَإِنْ دَخَلَهُ الشَّكُّ وَقَدْ دَخَلَ فِي صَلَاتِهِ فَلْيُمْضِ فِي صَلَاتِهِ وَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ» و «وَإِنْ كَانَ شَاكًّا فَلْيَسْ عَلَيْهِ فِي شَكِّهِ شَيْءٌ فَلْيُمْضِ فِي صَلَاتِهِ» در روایت آمده است که از این حکایت دارند که در فرض مذکور، به شک اعتنا نمی‌شود.

مرحوم آیت الله خویی (ره)^۱ فرموده است که اگر می‌خواهید به روایت تمسک کنید حتماً دو چیز را در نظر بگیرید و با دو شرط می‌شود به روایت مذکور، استناد کرد؛ اول اینکه مکلف، حقیقتاً بعد از غسل در نماز داخل شده باشد و دوم، اینکه آنچه را که در آن شک دارد، شستن بعضی از بدن باشد و شک او به تمام بدن مربوط نباشد.

در باب وضو نیز گفته شد که اگر شخص بعد از وضو و دخول در فعلی دیگر، در وضویی که گرفته است، شک کند، به شک خود اعتنا نمی‌کند، هرچند که در غیر نماز داخل شده باشد زیرا قید داخل شدن در نماز، فقط به غسل مربوط است چون در باب وضو روایاتی وجود دارند که منحصر به دخول در نماز نیستند.

در باب تیمم نیز چون روایتی وجود ندارد، شخص باید به شکّی که برای او پیش آمده است، اعتنا کند و لذا باید برگردد و دوباره تیمم کند.

در پایان جلسه گذشته، اشکالی از طرف بعضی از بزرگان ذکر شد و گفته شد که مستشکل بر استناد به روایت مذکور، معتقد است که عدم اعتنا به شک در فرع مورد بحث، از باب استناد به نص نیست، بلکه از باب قاعده تجاوز است، لکن دایره قاعده تجاوز

۱. سید ابوالقاسم، موسوی خویی، موسوعة الإمام الخوئی، ج ۷، ص ۳۷ و ۳۸.

توسعه داده می‌شود و گفته می‌شود که قاعده تجاوز مختص شک در اثناء عمل نیست، بلکه شک بعد از فراغ از عمل را نیز شامل می‌شود و کلام امام (ع) در روایت مذکور که فرموده است: «وَإِنْ كَانَ شَاكًا فَلَيْسَ عَلَيْهِ فِي شَكِّهِ شَيْءٌ فَلْيَمْنُصْ فِي صَلَاتِهِ» نیز قاعده تجاوز را مطرح می‌کند، پس مستشکل می‌گوید که دو بخش از روایت مذکور، کلام شما که عدم اعتناء به شک را از باب استناد به نص دانستید، رد می‌کند و بر این دلالت دارد که عدم اعتناء به شک در فرض مورد بحث، از باب تمسک به قاعده تجاوز است و آن دو بخش عبارتند از: «فَإِنْ دَخَلَهُ الشَّكُّ وَقَدْ دَخَلَ فِي صَلَاتِهِ فَلْيَمْنُصْ فِي صَلَاتِهِ وَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ» و «وَإِنْ كَانَ شَاكًا فَلَيْسَ عَلَيْهِ فِي شَكِّهِ شَيْءٌ فَلْيَمْنُصْ فِي صَلَاتِهِ».

استدلال مستشکل به این نحو است که همان‌گونه که اگر مکلف در اثناء عمل، در اجزاء قبلی عمل شک کند، قاعده تجاوز جاری می‌شود، اگر از عمل فارغ شود و سپس در اجزاء عملی که انجام داده است شک کند نیز قاعده تجاوز جاری می‌شود. یکی از قواعد فقهیه مشهور بین فقها قاعده تجاوز است و معنای این قاعده بنا گذاشتن بر انجام عملی است که بعد از تجاوز و عبور از محل انجام دادن عمل مورد نظر، در آن عمل شک شود، مثل اینکه بعد از شستن سمت راست بدن و مشغول شستن سمت چپ شدن، در شستن سمت راست شک شود که چون از محل شستن سمت راست عبور شده است، قاعده تجاوز جاری می‌شود و بنا بر شستن سمت راست گذاشته می‌شود زیرا عملی که انجام آن مشکوک است، جزئی از اجزاء یک مرکب است که بعد از انجام برخی از اجزاء آن، در انجام آن جزء خاص شک شده است که چون محل آن گذشته است قاعده تجاوز جاری می‌شود بنابراین، نمازگزاری که در حال نماز خواندن است اگر در رکوع شک کند که آیا حمد و سوره را خوانده است یا نخوانده است با تمسک به قاعده تجاوز بنا را بر خواندن حمد و سوره می‌گذارد و به شک خود اعتنا نمی‌کند همچنین، کسی که هنگام نماز صبح بیدار بوده است و بعد از طلوع آفتاب در انجام نماز صبح [که عمل مستقلی و دارای وقت خاص است] شک می‌کند، با تمسک به قاعده تجاوز بنا را بر خواندن نماز صبح می‌گذارد چون از محل نماز صبح عبور کرده است بنابراین، مورد قاعده تجاوز فقط اثناء عمل نیست، بلکه این قاعده بعد از عمل را نیز شامل می‌شود چون معیار برای قاعده تجاوز، تجاوز از محل است و این تجاوز از محل، گاهی بر تجاوز از محل در اثناء عمل صدق می‌کند و گاهی بر تجاوز از محلی که مکلف باید فعلی را انجام می‌داده است، صدق می‌کند، مثل موردی که شخص بعد از طلوع آفتاب در انجام نماز صبح شک کند. پس قاعده تجاوز منحصر به اثناء عمل نیست، هرچند که مشهور و معروف این است که قاعده تجاوز فقط اثناء عمل را شامل می‌شود و بعد از فراغ از عمل را شامل نمی‌شود و در رابطه با بعد از فراغ از عمل، قاعده فراغ جاری می‌شود.

نظر مرحوم شیخ انصاری (ره)، این است که قاعده تجاوز و قاعده فراغ یک قاعده بیشتر نیستند چون معیار در هر دو، تجاوز از محل است. نظر مرحوم آخوند خراسانی (ره) و بعضی از بزرگان دیگر این است که این دو قاعده را از هم تفکیک کرده و گفته‌اند که قاعده تجاوز غیر از قاعده فراغ است.

نظر مختار

نظر مختار استاد، این است که اشکالی که از طرف بعضی از بزرگان ایراد شده است، وارد نیست زیرا قاعده فراغ مربوط به موردی است که اصل عمل، مسلم و مُحَرَز است و مکلف بعد از فراغ از عمل، در صحت و فساد آن عملی که انجام داده است شک می‌کند، مثل اینکه مکلف می‌داند که نماز خوانده است، لکن بعد از فراغ از نماز، در صحت و فساد آن شک دارد که قاعده فراغ می‌گوید به چنین شکّی اعتنا نمی‌شود ولی قاعده تجاوز مربوط به موردی است که در اصل انجام یک عمل، وجوداً و عدماً شک شده باشد

[یعنی در اصل وجود و عدم یک شیء شک شده باشد] و از محل آن عبور شده است، مثل اینکه مکلف هنگام شستن سمت چپ بدنش شک می‌کند که آیا سمت راست بدنش را شسته است یا نشسته است که قاعده تجاوز می‌گوید به چنین شکّی اعتنا نکن. معروف و مشهور، این است که قاعده تجاوز بیشتر در رابطه با شک در اثناء عمل جاری می‌شود. بنابراین، عدم اعتناء به شک در فرض مورد بحث، از باب عمل به نصّ روایت است چون روایت، به عدم اعتنا به شک تصریح دارد و لذا روایت مذکور، دلیل عدم اعتناء به شک در فرض مذکور قرار می‌گیرد زیرا مکلف بعد از دخول در نماز، در شستن جزء اخیرِ غُسل که شستن سمت چپ است، شک کرده است و چون موالات در غسل معتبر نیست، هنوز شخص از حالت غسل خارج نشده است و فراغ از غُسل صورت نگرفته است تا بتوان قاعده فراغ را جاری کرد، هر چند که در نماز داخل شده باشد، پس قاعده فراغ جاری نمی‌شود همچنین، قاعده تجاوز را نمی‌شود جاری کند زیرا قاعده تجاوز به شک در اثناء عمل مربوط می‌شود و شک بعد از عمل را شامل نمی‌شود مگر اینکه گفته شود که تجاوز، یک معنای اعمی دارد که هم شک در اثناء عمل را شامل می‌شود و هم شک بعد از عمل را که مکلف در عمل دیگر داخل شده باشد و سپس شک کرده باشد، شامل می‌شود؛ اعم از آنکه آن عملی که در آن داخل شده است، نماز باشد یا غیر نماز باشد. بنابراین، استناد به روایت مذکور، برای عدم اعتنا به شک مشکلی ندارد و التزام به دو شرطی که از طرف مرحوم آیت الله خویی (ره) ذکر شد، لازم نیست و همان‌طور که عرض شد تمسک به قاعده فراغ نیز جایز نیست مگر اینکه کسی موالات در غُسل را معتبر بداند که در این صورت، می‌تواند به قاعده فراغ تمسک کند.

پس تمسک به قاعده تجاوز در فرضی که شک در اثناء عمل نباشد، مشکل است و تمسک به قاعده فراغ نیز فقط در صورتی جایز است که موالات در غُسل معتبر باشد. بنابراین، به نظر می‌رسد که دلیل عمده، برای عدم اعتنا به شک در فرض مورد بحث، تمسک به روایت است و روایت در باب غُسل، مصداق بیان کرده است و گفته است که اگر مکلف بعد از غُسل در نماز داخل شود و در جزء اخیرِ غسل شک کند، به شک خود اعتنا نمی‌کند و در باب وضو نیز روایت خاص وجود دارد که حاکی از این است که دخول در عمل بعدی، منحصر به نماز نیست، بلکه شک در هنگام دخول در غیر نماز نیز قابل اعتنا نیست و اگر مبنا این باشد که بین طهارات ثلاثه تفصیل داده نمی‌شود، تیمّم نیز به غُسل و وضو ملحق می‌شود و به شک مربوط به بعد از تیمّم که بعد از دخول در عمل دیگر برای شخص رُخ می‌دهد، اعتنا نمی‌شود و اگر به وجود نصّ جمود شود و گفته شود که در باب غُسل و وضو، روایت وجود دارد و در باب تیمّم، روایتی وجود ندارد باید گفت که به شک مربوط به تیمّم اعتنا می‌شود لذا شخص باید برگردد و دوباره تیمّم کند.

«الحمد لله رب العالمین»